

مجمع الغرائب مفتی بلخی

يك كتاب نادر خطی که درباره بلخ مطالب خواندنی دارد

درین روزها کتابی خطی زیر نظر است که مجمع الغرائب نامدارد اگر چه نسخه موجوده این کتاب منحصر بفرد نیست ولی نادر است و کمیاب، تا جائیکه بمن معلوم است دو نسخه خطی آن در کتب خانه دانشگاه تاشکند به نمره (۹۰۳ - ۱۳۳) موجود است (رک : فهرست خطی آن در کتبخانه دانشگاه تاشکند از سیمینوف ۶۵ - ۶۶).
باین نام تاکنون دو کتاب را می شناسیم : یکی مجمع الغرائب دوست محمد یادگار است که در دانشگاه لنین گراد به نمره (۵۵۶) محفوظست (رک : ادبیات فارسی از ستوری ج ۲ ص ۱۲۲۳) و از خصایص آن خبری ندارم.

دوم همین ما نحن فیه است که مؤلف آن سلطان محمد بن درویش محمد مفتی بلخی نامدارد و بنام پیرمحمد خان پادشاه بلخ* (۹۶۳ - ۹۷۴ هـ) اهداء شده و نسخه زیر نظر خیلی بدخط است و اوراق آخر آن فرسوده و ریخته و بنا بران تاریخ نوشتن آنرا نمی توان تعیین کرد ولی از رسم الخط و سیاق و سباق آن ظاهر است که بعد از سال هزارم هجری نوشته شده باشد. مؤلف کتاب سلطان محمد (ولی بقرار یک نسخه تاشکند محمد سلطان از دودمان مفتیان بلخ بوده که پدرش بدربار شاهان راهی داشته و در حدود (۹۳۴ هـ) در بلخ بدربار کستنقرا که بتصریح سید راقم سمرقندی در تاریخ کثیره

يکي از دوازده فرزندان جانی بیگ سلطان بود، پیوستگی داشته است (رک : مجمع الغرائب خطی ۷۸)

سلطان محمد بقول خودش (ص ۲۱۰ مجمع خطی) هنگامیکه از بلخ عزیمت کابل داشت روز سه شنبه ۱۴ ربیع الاول (۹۳۵ هـ) در بامیان توقف کرده و بتان معروف آنجا را دیده بود و چنین بنظر می آید که وی مرد درباری و باسواد کتابخوانی بود، و بخواندن کتب مسالک و اخبار و تاریخ عجایب دنیا ولعی داشت و بعد از مطالعه و فراهم آوری کتب مجموعه بنام (مجمع الغرائب) بین سال (۹۶۳ و ۹۷۴ هـ) نگاشت که کتابیست جغرافی و تاریخی و با وجودیکه بسی از اخبار وهمی و عجایب غیر طبیعی که ابدأ و اصلاً در دوره های تاریخ وجود نداشته و در کتب عجایب البلدان مذکور اند درین کتاب نیز نوشته شده ولی در خلال آن برخی از مطالب مفید و جدی که ماهیت تاریخی دارد نیز بدست می آید، که کتاب ما را اهمیتی بسزا می بخشد، و اکثر مطالب آن بدرد کنجکاوان تاریخ میخورد. مفتی کتاب خود را معمولاً به حمد و نعت آغاز کرده و گوید : "چون این فقیر بی بضاعت (در اصل : بی بزاعت) گاه گاهی عمر عزیز بر مطالعه کتب عجایب اخبار و نسخ غریب آثار مصروف میداشت، و گاهی در مجالس اکابر و اشراف ازین حکایت روایت میکرد بشرف استحسان مشرف گشته، و تحسین اقران می یافت، چون به تعاضد (اصل : تقاضد) جنود لهی و توافق سعود نامتناهی مسند خلافت موروثی ولایت بلخ ... بشرف جلوس عالی حضرت کیوان رفعت سپهر شوکت ... رباعی :

آن پادشاهی که خسر وایرانست
فرمانده عصر و داور دورانست

دارای زمانه شهریار عاتل (اصل : مادم) شاهنشۀ بلخ پیرمحمد خانست خلدالله ملکه و سلطانه زیب و زینت دیده ... چون این کمینه را فی الجملة اطلاعی بر احوال بدایع و اصناف بنی آدم شده بود ...

لایق و مناسب چنان نمود که از برای بزم روح افزای ... از آنچه در کتب معتبره دیده بروایات چیده و عبارات سنجیده ... رقم نماید ...

باینطور کتاب خود را بحضور پیر محمد خان تقدیم میدارد و آنرا بر (۱۵) باب بنا می نهد :

۱. عجایب افلاک
۲. معجزات انبیاء و فضایل خلفاء
۳. بلاد و امصار عجیبه
۴. عجایب آدمیان
۵. عجایب حیوانات
۶. عجایب نباتات
۷. عجایب ابجار
۸. جبال و عیون
۹. صحاری و براری
۱۰. کنایس و مقابر
۱۱. مسافات بعضی بلاد مشهوره
۱۲. طول و عرض بعضی ابجار و خلیج
۱۳. ذکر قامت آدمیان
۱۴. لطایف شوخ طبعان شیرین کلام و تیز فهمان نظم انتظام
۱۵. بعضی از تواریخ وقایع از نبوت آدم تا الی یومنا هذا

از فهرست مطالب فوق پیداست که کتاب دارای اباحت دلچسپی بوده، ولی درینا که نسخه مانحن فیها در آخر ناقص است و بیش از (۱۰) باب ندارد و پنج باب آخر آن ضایع گشته بهر صورت از کتبی که مؤلف بدان حواله دهد پیداست که برخی از مطالب موثوق کار آمدی را دران فراهم آورده و اکثر کتب ماخذ و مدارک مؤلف در نهایت ثقت و اعتبار است و من ذیلاً آنرا شرح میدهم :

۱. جهان نامه :

مفتی بلخی باین کتاب حوالت فراوان دهد و از ماخذ معتبر اوست قراریکه اسناد بارتولد شرق شناس دانشمند روسی در مقدمه روسی کتاب حدودالعالمه گوید : از حدود (۱۸۹۰ ع) سرلشکر شرقشناس روسی تومانسکی در ماوراء النهر بتلاش و جستجوی کتاب اولوس اربعه تالیف میرزا الخ بیگ گورگانی بود تا که روزی بسال (۱۸۹۳ ع) یکی از دوستان خود میرزا ابوالفضل را در بخارا دید و وی چار کتابرا در بک وقایه به تومانسکی بغرض نشر اهداء کرد درین وقایه یکی کتاب معروف حدود العالم بود که اینک بارها نشر و هم در انگلیسی با حواشی مفید استاد مینارسکی در چاپخانه دانشگاه اکسفورد (۱۹۳۷ ع) طبع و نشر شده و یکی از آثار گرانبهای فارسی است. کتاب دیگریکه درین وقایه بود عبارتست از جغرافیای جهان نامه تالیف محمد بن نجیب بکران بقلم عبدالله مسعود بن محمد بن مسعود کرمانی ۲۸ رمضان ۶۶۳ هـ (۱۴ جولائی ۱۲۶۳ م) که تاکنون نشر و طبع نشده ولی از یک اقتباسی که استاد مینارسکی در شرح حدودالعالمه (ص ۳۴۸) ازین کتاب درباره خلخ و خلج کرده پدید می آید که جهان نامه کتابی مهم و معتبر و موثوق است و باید فضایی فارسی زبان به نشر آن همت گمارند ناگفته نماند که حمدالله مستوفی نیز در تالیف نزهه القلوب جهان نامه را در دست داشت. بنام جهان نامه چند کتاب دیگر را نیز می شناسیم : یکی جهان نامه یا تاریخ عبدالله خان تالیف ملامشقی بخاری متولد (۹۴۵ و متوفی ۹۹۶ هـ) دربخارا است که نسخ خطی آن در بودلیان و کلکنه و تاشکند موجود است، دوم : جهان نامه شرف الدین محمد بن مسعود (طبع تهران) دیگر جهان نامه فنائی است در تاریخ هند که در عصر اورنگزیب (حدود ۱۰۹۹ هـ) از طرف فنائی مرید شیخ لقمان بن شیخ عثمان خلیل سلیمانی تالیف شده و ریو ازان ذکر دارد (رک : ادبیات فارسی

ستوری ص ۲۷۴ - ۱۱۸۶ طبع لوزاک لندن ۱۹۵۳ م) ولی گمان قویست که ماخذ مفتی کتاب اول محمد ابن نجیب بوده است
۲. تحفه الغرایب :

باین نام کتابی در کتابخانه های بانکی پور و بودلیان و بوهار موجود بود، که مؤلف آن باختلاف نسخ سبزواری یا الصدري یا سرافرازی و غیره دانسته اند ولی موضوع آن علوم قرآنی است و سال تالیفش نامعلوم، این کتاب بسال (۱۲۹۹) بنام محمد بن شیخ محمد بن سعید لهروی طبع شده است (ستوری ۱۲۷۷) و طوریکه از تاریخ گولکنده (ص ۲۵۲) و سیرة المحمود (ص ۶۹) بر می آید علی بن طیفور (۱۰۶۰ هـ) در شرح حقیقت روح و نفس و عقل کتابی بنام تحفه الغرایب نوشته بود که نسخه خطی آن در برلین است. اما ماخذ مفتی غالباً تحفه الغرایب مولی علمشاه بن عبدالرحمن ابن صالحی امیر متوفی (۹۸۷ هـ) مؤلف عجایب البحر است که بر انواع خواص اشیاء و حیل در (۳۵) باب نوشته بود (کشف الظنون ج ۱ ص ۳۷۱ طبع جدید استانبول).

۳. تکمله اللطایف :

باین نام کتابی در دست منهاج سراج جوزجانی مؤلف طبقات ناصری هنگام نوشتن این کتاب (۶۵۵ - ۶۵۸ هـ) موجود بود که نام مؤلف آنرا تصریح نمیکند ولی غالباً همان کتاب تکمله اللطایف و نزهة الظرایف ابو محمد عبدالعزیز بن عثمان الجسری باشد (اواسط قرن ۷) که قصص الانبیاء احمد بن محمد منصور بران کتاب بنا یافته است زیرا منهاج سراج هم قسم در طبقه اول شرح احوال داؤد (ع) را به تکمله حوالت دهد، و مفتی ما هم آنرا ماخذ قرار داده است.

۴. جامع التواریخ :

کتاب معروف و مفید و معتبر رشیدالدین فضل الله است اگر چه بهمین نام کتابهایی از طرف سید محمد بخاری و فقیرمحمد و غیره

نوشته شده و حسن بن شهاب یزدی نیز بهمین نام تاریخی از اوایل خلقت تا (۸۵۵ هـ) در شش قسم تالیف کرده ولی بغالب گمان ماخذ مفتی کتاب اول الذکر بوده است.

۵. صور الاقالیم :

تالیف ابو زید احمد بن سهل بلخی متوفی ۱۹ ذیقعد ۳۲۲ هـ که این کتاب را در (۳۰۹ هـ) نوشته و اصطخری آنرا در (۳۴۰ هـ) بنام مسالک الممالک تهذیب کرده است و ترجمه فارسی صور در کتب خانه ایا صوفیا موجود است.

درینجا برای تفریح طبع خوانندگان نوشته لطیف و انتقادی البشاری جغرافیا نگار و جهانگرد مدقق عربی را (اگر چه به محبت اصلی ما تعلق ندارد) می آوریم که بسال (۳۷۵ هـ) در مقدمه احسن التقاسیم می نویسد:

ابوزید بلخی کتاب خود را در بلخ نوشته و از انجا نبرآمد و بنابراین کتابش از ذکر شهرهای بزرگ و اباحت نافعته تهی است، وقتی امیر خراسان او را بحضرت خود (بخارا) خواند تا از رای صایب وی استفاده کند چون به جیحون رسید و دریا را دید بحضور امیر نوشت: "اگر مرا برای آن خواسته اید که از رای صایب من کار بگیری پس همین رای صایب مرا از عبور این نهر باز میدارد" چون امیر مکتوبش را خواند به وی اجازت عودت بلخ عطا فرمود. البشاری بچنین صورت بر جغرافیا نگاران ما تقدم انتقاد می نماید، که احوال بلاد را نادیده نوشته اند. وی گوید اشکال ابوزید را در کتبخانه صاحب و نیز در نشاپور دیدم که از نزد ابومحمد میکالی رئیس خراسان آورده بودند، چون مفتی بخود در صور حواله دهد پس شاید تا آنوقت متن صور بلخی موجود بوده است، مخفی نماند که یک صور اقالیم دیگری نیز حافظ ابرو بسال (۸۱۷ هـ) هنگام تالیف جغرافیای خود بدست داشت که بقول وی محمد بن یحیی آنرا در هند نوشته بود.

۶. مسالک ممالک ابوالقاسم عبدالله خراسانی :

باین نام کتابی معروف نیست اما با احتمال قریب باید همان مسالک الممالک ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله ابن خرداذ به باشد، که بین سالهای (۲۳۰ تا ۲۳۴ هـ) درسامرا تالیف کرده (طبع لیدن ۱۳۰۶ ق) ولی مولفان قدیم بانام وی خراسانی ننوشته اند، مثلاً البیرونی در آثار الباقیه (ص ۲۴۵ طبع لیزیک ۱۸۷۸ م) مطالبی از وی آورده و نام وی را عیناً مثل بالا نوشته است کذلک البشاری در احسن التقاسیم او را بنام ابن خرداذ به آورده و گوید در نشاپور ترجمه مختصر آنرا دیده ام چون حاجی خلیفه نام او را ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله ابن خرداذبه الخراسانی آورده و همچنان حمدالله مستوفی در مقدمه نزهة القلوب نام مؤلف مسالک ممالک ماخذ خود را ابوالقاسم ابن خرداذبه نوشته بنا بران شکی نمی ماند که مفتی همین کتاب را در دست داشت.

مسالک ممالک دیگریکه اکنون مفقود است کتابیست که ابوعبدالله محمد بن احمد بن نصر جهانی کبیر وزیر نصر بن احمد سامانی (۳۰۱ - ۳۳۱ هـ) نوشته بود (رک : یاقوت معجم الادباء ج ۶ ص ۲۹۳) و البشاری آنرا در (۷) جلد بکتابخانه عضد الدوله خراسان دیده و نیز ترجمه مختصر آنرا در نشاپور خوانده است (مقدمه احسن التقاسیم) ولی از زمان قدیم بین شش نفر جهانی که همه وزراء و اعیان مملکت بوده اند خلط و لبس روی داده و حتی ابن ندیم نیز کتاب مسالک ممالک را به ابوعبدالله احمد بن محمد نصر وزیر صاحب خراسان منسوب داشته (الفهرست ص ۱۹۸) و نیز یاقوت (در ج ۲ ص ۵۹ معجم الادباء) و حاجی خلیفه (در کشف ج ۲ ص ۱۶۶۴) بهمین خلط گرفتار آمده اند برخی از نویسندگان معاصر مانند دانشمند محترم آقای سعید نفیسی (ج ۳ رودکی ص ۱۱۱۹) نیز همین اشتباه را تکرار کرده اند.

در كنيه جيهاني كبير مؤلف مسالك مسالك بيزگ هي خلط روى داده بدین معنی كه زكريای قزوینی (متوفى ۶۸۲ هـ) در آثار البلاد كنيه او را ابوالقاسم آورده و نیز همين كنيه در كتاب مانحن فيه و كتاب اشكال العالم (نسخه خطی موزيم كابل) دیده ميشود كه در آغاز آن چنین گوید: "مؤلف كتاب ابوالقاسم بن احمد الجيهانى" چون كتاب الجيهانى مفقود است و اصل آن بما نرسیده و يك ترجمه فارسی منسوب بآن بنام اشكال العالم (نسخه خطی موزيم كابل و برطانيه) نیز باغلب احتمال ترجمه كتاب اصطخریست نه خود مسالك جيهانى. بنا بران باید گفت: كه مفتی نیز كتاب ابوالقاسم ابن خرداذبه را بدست داشته است.

۷. ربيع الابرار:

كتايبست از محمود بن عمر محمد جارالله زمخشرى (۴۶۷ - ۵۳۸ هـ) در (۹۸) باب كه دران احوال ارض و سماء و ملايك و اجنه و كواكب و غيره آمده در (۲) جلد و نسخ خطی آن در كتب خانه مصر موجود بود اين كتاب را حكيم الملك عبدالجبار گيلاتى وزير سلطان عبدالله قطب شاه دكنى بحدود (۱۰۵۴ هـ) در هند تلخيص كرد.

(۸) نظام التواريخ:

تاريخ عمومى مختصریست از ناصرالدین عبدالله عمر قاضى بیضاوى مؤلف تفسیر معروف بیضاوى كه نظام التواريخ را بسال (۶۷۴ هـ) نوشت.

۹. صفوه الصفا:

از توكلی بن اسماعیل بن حاجى اردبیلی مشهور بابن بزاز، در شرح سیر و خوارق شاه صفی الدین اسحاق اردبیلی تالیف حدود (۷۵۹ هـ)

۱۰. مقصد الاقبال:

امير اصیل الدین عبدالله بن عبدالرحیم حسینی شیرازی مؤلف درج الدرر (متوفى ۸۸۳ هـ) كه دران مزارات معروف هرات را شرح داده است

۱۱. آثار البلاد:

از عمادالدین زكريا بن محمد بن محمود قزوینی متوفى (۶۸۲ هـ) كه كتب دیگری بنامهای تاريخ قاهره و عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات نیز دارد، و آثار البلاد او را در عربی و وستفیلد بسال (۱۸۴۸) م طبع كرد، تاريخ تالیف آن بقول حاجى خلیفه (۹۰۱ هـ) سال ۶۷۴ هـ است.

۱۲. زبده التواريخ:

از ابوالقاسم عبدالله علی بن محمد كاشانی كه در (۷۰۳ هـ) نوشته شده، و نیز بهمین نام كتب دیگری موجود است:

اول: تالیف عبدالله بن لطف الله معروف به حافظ ابرو در ۸۳۰ هـ
دوم: تالیف ملا كمال بن جلال الدین محمد منجم كه نسخه خطی آن در تهران نزد علامه سعید نفیسی موجود بود و حوادث تاریخی را تا (۱۶۵۲) ضبط کرده (ص ۹۶ ایران بعد از اسلام)
سوم: نسخه خطی كتب خانه ملی پاریس از نورالحق مشرقی دهلوی بخاری در تاریخ هندوستان.

ولى ماخذ مفتی معلوم نیست كه کدام یکی بوده است؟

۱۳. جوامع الحكایاه و لوامع الوایاه:

كتاب معروفیست از سدیدالدین محمد بن امام شرف الدین ابو طاهر یحیی بن طاهر بن عثمان عوفی بخاری مؤلف معروف تذکره اقدم زبان فارسی لباب الالباب كه بدربار سلطان قباچه و ایلتمش در هند محشور بود و بنام وزرای نامی آن دوره در حدود (۶۲۸ هـ) تالیف

کرده است، این کتاب تاکنون تماماً بطور علمی و انتقادی نشر نشده.

۱۴. آثار الباقیه :

کتاب معروف ابوریحان البیرونی که زاخاو متن عربی آنر در لایبزیک بسال (۱۸۷۸ م) طبع کرد و بعد ازان در (۱۸۷۹ م) ترجمه انگلیسی و تعلیقات و فهارس آنرا نشر نمود.

۱۵. روضه الاحباب :

کتابیست در سیر بنام "روضه الاحباب فی سیر النبى و الال و الاصحاب" بخواش امیر علی شیرنوائی وزیر دانشدوست هرات بقلم امیر جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی شیرازی متوفی (۹۲۶ هـ) که کتاب خود را بسال (۹۰۰ هـ) تکمیل کرد.

۱۶. روضه الصفا :

کتاب معروف میر خواند محمد بن خواندشاه متوفی (۹۰۳ هـ) است.

۱۷. معجم البلدان :

کتاب معروف یاقوت حموی که بارها طبع شده.

۱۸. نزهه القلوب :

از حمدالله بن ابوبکر احمد بن نصر مستوفی قزوینی مؤلف تاریخ گزیده که نزهت را بسال (۷۴۰ هـ) در جغرافیا و عجایب بلدان و طب و فواید متفرقه دیگر نوشت، و ظفر نامه را در بحرتقارب از استیلاى عرب تا عصر خود منظوم کرد.

۱۹. عجایب المخلوقات :

سابق الذکر قزوینی تالیف (۵۵۶ هـ) و عجایب المخلوقات محمد بن محمود بن احمد طوسی تالیف (۵۵۵ هـ) کشف ج ۲ ص ۱۱۲۷، و عجایب المخلوقات بزبان فارسی از ابی الحسین عبدالرحمن ابن عمر صوفی منجم متوفی بغداد (۳۷۴) (?) (ایضاح ۲ : ۹۴) و عجایب المخلوقات مولانا شهاب مدون (ص ۹۷ مجالس النفایس) ولی معلوم نیست که ماخذ مفتی کدام یکی بود؟

۲۰. تاریخ مصر :

باغلب احتمال همان تاریخ مصر مشهور به بدایع الزهور فی وقایع الدهور تالیف ابن ایاس (۸۵۲ - ۹۳۰ هـ) یکی از تلامیذ جلال الدین سیوطی است که تاریخ دوره اسلامی مصر را تا (۹۲۸ هـ) نگاشته است و متن آن در سه جلد بسال (۱۳۱۱ هـ) در بولاق مصر طبع گردیده و بعد ازان یک جلد فهرست آنرا نیز در بولاق بسال (۱۳۱۴ هـ) سید محمد علی صبحی چاپ کرده اند. بهمین نام کتاب وهمی و دارای قصص غیر موثوق چندین بار منسوب باین ایاس در مصر طبع شده که قطعاً اصلتی ندارد.

۲۱. تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر :

از شیخ ابی الفرج عبدالرحمن بن جوزی بغدادی حنبلی (۵۰۸ - ۵۹۷ هـ) که نسخ خطی آن در مصر موجود است در چار جلد (کشف ۲ ص ۹۴۷ فهرست کتب خانه مصریه ج ۱ ص ۷۶)

۲۲. زین القصص :

این کتاب در کشف الظنون (ج ۲ ص ۹۷۲) بدون ذکر نام مؤلف و تفصیل دیگر آمده و در ذیل آن ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون از اسمعیل پاشا طبع استانبول (۱۹۴۵ م) زین القصص فی تفسیر احسن القصص لعبد الصمد بن ابراهیم الفارسی مذکور که این مؤلف الاکسیر فی الفسیر را نیز نوشته بود و مفتی هم غالباً همین زین القصص را در دست داشت.

۲۳. فواید فیروز شاهی :

این کتاب که از ماخذ مفتی بود ظاهراً همان فواید فیروزشاهی فی فروع الحنفیه است که در کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۳۰۰) بدون نام مؤلف مذکور است.

۲۴. عجایب الدنيا :

که بقول حاجی خلیفه باین نام سه نفر کتاب نوشته اند :

اول : محمد علی بن حسین المسعودی متوفی در مصر (۳۴۶ هـ) شاید همان کتاب عجایب الدنيا باشد که مؤلف نامعلوم مجمل التواریخ و القصص نیز در دست داشت (مجمل ص ۷۴ - ۷۶).

دوم : شیخ آذری فخر الدین حمزه ابن علی بن مالک طوسی بیهقی متوفی (۸۸۶ هـ).

سوم : ابراهیم بن وصیف شاه مختصر آنرا کرده است (کشف ۲ ص ۱۱۲۶ و ایضاح ص ۹۴ ج ۲) چون مفتی نام مؤلف را نیاورده پدید نمی آید که کدام یکی را در دست داشت ولی شاید تالیف آذری طوسی را خوانده بود زیرا میر علی شیرنوائی نیز در مجالس النفیس (ص ۱۰) همین کتابرا مال آذری میدانند و معلوم است دران عصر شهرت داشت.

۲۵. عجایب البلدان از مولانا عبدالعلی :

که این کتاب ماسوای عجایب البلدان های دیگرست که تاکنون بما معلوم بوده شرح ذیل :

اول : قدیم ترین نسخه عجایب البلدان بفارسی دوره سامانی منسوب به ابوالموید بلخی و بشر مقسم که یکی از کتب قدیم منشور زبان فارسی است. و مرحوم ملک الشعراء بهار نسخه خطی آنرا داشت (سبک شناسی ج ۲ ص ۱۸) و همین کتاب ماخذ مؤلف نامعلوم تاریخ سیستان نیز بوده که گاهی آنرا عجایب بر و بحر میخوانند (ص ۱۳) همچنان ماخذ مؤلف مجمل التواریخ و القصص بود.

دوم : عجایب البلدان زکریای قزوینی در ذکر اکثر بلاد گیتی با برخی از علمای آن (کشف ج ۲ ص ۱۱۲۶)

سوم : عجایب البلدان ابن جزار افریقی مقتول (۴۰۰ هـ) مذکور در کشف الظنون (ج ۲ ص ۱۱۲۶).

چهارم : عجایب البلدان شیخ آذری سابق الذکر که محمد عارف بقائی در مجمع الفضلاء نسخه خطی منحصر بفرد کابل (ص ۷۶) ذکری ازان دارد.

۲۶. عجایب العالم :

کتابیست که بقول اسمعیل پاشا مؤلف آن ابو بشر احمد بن ابراهیم العمی نویسنده اخبار صاحب الزنج است (ص ۹۳ ج ۲ ایضاح).

۲۷. عجایب البحر :

بقول حاجی خلیفه (۲ : ۱۱۲۶) تالیف مولی علمشاه عبدالرحمن بن صاجلی امیر متوفی (۹۸۷ هـ) و نیز تالیف علی بن عیسی خراسانی است که برای خلیفه المقتدر نوشته بود، ولی نمیدانیم که مفتی کدام یکی را در دست داشت؟

۲۸. خزانه الفتاوی :

باین نام نیز دو کتاب مشهور است : یکی از امام طاهر بن احمد بخاری حنفی سرخسی متوفی (۵۴۲ هـ) صاحب خلاصه و دیگر تالیف ابی بکر احمد بن محمد بن حنفی صاحب مجمع الفتاوی از علمای قرن هشتم هجری که یک نسخه خطی آن در کتب خانه اسلامیه کالج پشاور موجود است (کشف ۲ : ۷۰۳ لباب المعارف ص ۱۱۷) ولی نمی دانیم که مفتی از کدام یکی استفاده کرده است؟

۲۹. سیره الملوک :

این کتاب بقول خلیفه (۲ : ۱۰۱۶) تالیف امام عبدالملک بن منصور ثعالبی مشهور است متوفی (۴۳۰ هـ) و علاوه برین کتاب تاریخ طبری نیز سیرالملوک نامیده شده و ابن مقفع روز به نیز سیرالملوک

نوشته است. کتاب فارسی سیاست نامه نظام الملک طوسی وزیر نامور سلاجقه (طبع پاریس ۱۸۹۶) نیز به سیر الملوک شهرت دارد، ولی چون مفتی ماخذ خود را سیره الملوک نامیده باید کتاب اول باشد.

۳۰. کتاب فارس :

باین نام کتابی را نمی شناسیم ولی فارسنامه ابن البلخی (طبع کمبرج ۱۹۲۱) تالیف حدود (۵۱۱ هـ) مشهور است و نیز حاجی خلیفه از کتاب الفرس ابی حاتم سهل بن محمد سجستانی متوفی (۲۴۸ هـ) (کشف ۲: ۱۴۴۶) ذکری دارد شاید ماخذ مفتی نیز کتاب دوم باشد.

۳۱. تفسیر مواهب :

که ظاهراً همان تفسیر معروف فارسی ملاحسین بن علی الکاشفی واعظ هرویس متوفی (۹۱۰ هـ) که آنرا خود کاشفی "مواهب علیه" نامیده و بین (۸۹۷ تا ۸۹۹ هـ) بنام میر علی شیر نوائی وزیر هرات تقدیم شده و شاید نسبت "علیه" نیز از نام علی شیر گرفته شده باشد. (۱)